

متن سخنرانی رفیق وینوس احمدزوی در کانگرس بین المللی زن افغان

شهر آرnhem، هالند،

۰۷- مارچ- ۲۰۱۰م.



دوستانِ گرامی، اشتراک کننده گانِ گردهمایی امروز،

هشتم مارچ امسال، در حالی تجلیل میگردد، که جنگ، بی خانمانی، فقرِ جانکاه، انواع نابرابریهای اجتماعی و حاکمیتِ قوانین ارتجاعی و سنتهای قرون وسطایی، روزانه زنده گی و حیاتِ صدها انسان، به ویژه زنان و مادران را در نقاط مختلف جهان و از جمله افغانستان تهدید نموده، سبب ایجادِ نگرانیهای جدی، نزد نیروهای مترقی، آگاهان مسایل اجتماعی- سیاسی و مبارزانِ راهِ رهایی بشر از مظالم، گردیده است.

با آنکه سازمان ملل متحد، این روز را به رسمیت شناخته، اما با تأسف که هیچ ابزار تأثیرگذار برای اجرا و تحقق فیصله نامه ها و قطعنامه های خود را مبنی بر دفاع از حقوق و آزادیهای بشر و به خصوص زنان ندارد. در مقابل، نقش و تأثیر بورژوازی جهانی با حاکمیتِ تفکر نیولیبرالیستی آن، همواره بر تصمیمگیریهای سازمان ملل متحد و آرگانهای مدعی دفاع از حقوق بشر مشهود میباشد.

حاکمان و فرادستان جهان کنونی و همدستان ارتجاعی آنان در کشورهای پیرامونی، از جمله سرزمین ما، تلاش کرده اند، تا دستاوردهای دوره های گذشته جنبشهای مترقی و جنبش زنان را زدوده، از روند پیشروی و فعالیتهای سازنده آنان بکاهند و ستم و استثمار بر زنان را اشکال جدیدتری بدهند؛ که البته غالب شدن گرایشهای رفورمیستی و لیبرالی بر جنبشهای مذکور، یکی از مانورهای جدیدی بوده، که ارتجاع جهانی برای بی تأثیرساختن نقش این جنبشها در راه مبارزه برای اعاده انسانی ترین خواستههای شان به راه انداخته و به همین طریق به ادامه ستم بر زنان میپردازند.

دوستان گرامی،

بر زنان آگاه و نیروهای مترقیست، تا با درک واقعیتها و شناخت علمی از جهان و مناسبات حاکم بر آن، پروسه حقیرشردن زنان و رواداری ستمها بر آنان را که در مراحل مختلفه جوامع طبقاتی سیمای گونه گون - اما مستمری - را با درجه های متفاوت تحت شرایط و ضوابط

متنوع و متناسب با روابط حاکم این جوامع، به خود گرفته است؛ در میان اقشار مختلف اجتماعی و زحمتکشان توضیح نموده، از یک جانب، ادعاهای انتزاعی و غیرواقعی ستمگران را که با هدف منحرف ساختن اذهان و افکار عامه و قراردادن قشر زن در مقابل قشر مرد در جامعه و دوام نظام، صورت میگیرد، رد نمایند و از سوی دیگر، برای شکل نیروهای مترقی برای دفاع از منافع اقشار ستمکش و مظلوم در نهادهای واقعاً پیشرو گام بگذارند.

نیروها و نهادهای مترقی وظیفه دارند، تا زمینه های تعمیم آگاهی و معرفت پیشرو را در روند پاگیری جنبش سراسری رهاییبخش زنان همه جانبه جستجو نموده و در افشای پروژه های عقبگرای محافظ حاکم و استثمارگر و ویژه گیهای نظام مالکیت خصوصی، تلاش نمایند. زیرا با شکل نیرومند جنبشهای مترقی و با تکیه بر پشتیبانی و جلب اعتماد توده های زحمتکش است، که میتوان راههای کاهش ستم و مظالم طبقاتی را به طور مثمر پیمود و امکانهای تاریخی پیروزی انقلاب اجتماعی و برابری همه گانی را که اساسی ترین رکن برای تأمین آزادیهای کامل انسان و از جمله زنان است، مساعد نمود.

بر زنان آگاه و رسالتمند کشورماست، تا در راه کاستن و رفع ستم بر سایر هموعان شان که رنجدیده ترین بخش جامعه بحرانزده ما را تشکیل میدهند، دست به دست هم دهند و آگاهانه اراده های آگاه شان را در امر سرنوشتساز مبارزه بی امان رهایی زن افغان از یوغ اسارت و بنده گی مناسبات قرون وسطایی، باهم جمع سازند و رهبری جنبش و ادامه مبارزه را

خود به عهده گیرند و به آنانی، به خصوص مردانی که با باورهای غیرعلمی ستم بر زنان را موجه میدانند، باید شستشوی مغزی دهند و بیاموزانند که زن به طور طبیعی به لحاظ ساختار زیست شناختی جنس فرودست نبوده، بل، در سلسله مراتب ستمهای نظامهای طبقاتی، به ویژه سرمایه داریست، که برتری جنس مرد و مردسالاری را به حیث ابزاری در دستان طبقات حاکم برای حفظ منافع و حاکمیت شان تبلیغ مینمایند.

جنبش مترقی زنان در سرزمین ما، میتواند با طرح خواستههای ابتدایی انسانی برای زنان، به مبارزه آغاز نموده، به طور مثال، جهت کسب زمینه های برابر با مردان در عرصه آموزش و اشتغال، داشتن حقوق مساوی برای کار برابر، ایجاد مراکز پرورشی و حمایتی طفل و مادر، داشتن حق انتخاب همسر، ازدواج پس از سن هژده ساله گی و داشتن حق مساوی با مرد در پروسه طلاق و قانونی ساختن این امر و دهها مسأله دیگر اجتماعی تلاش پیگیر نماید.

در اخیر، هشتم مارچ و خاطره تابناک قهرمان زنان مبارز را که در راه رهایی انسان از چنبره نابرابریهای اجتماعی رزمیده اند، گرامی داشته و بر ادامه راه پرافتخار آنان از جانب همه آگاهان مسایل اجتماعی - سیاسی تأکید مینمایم.

از توجه همه تان سپاس